



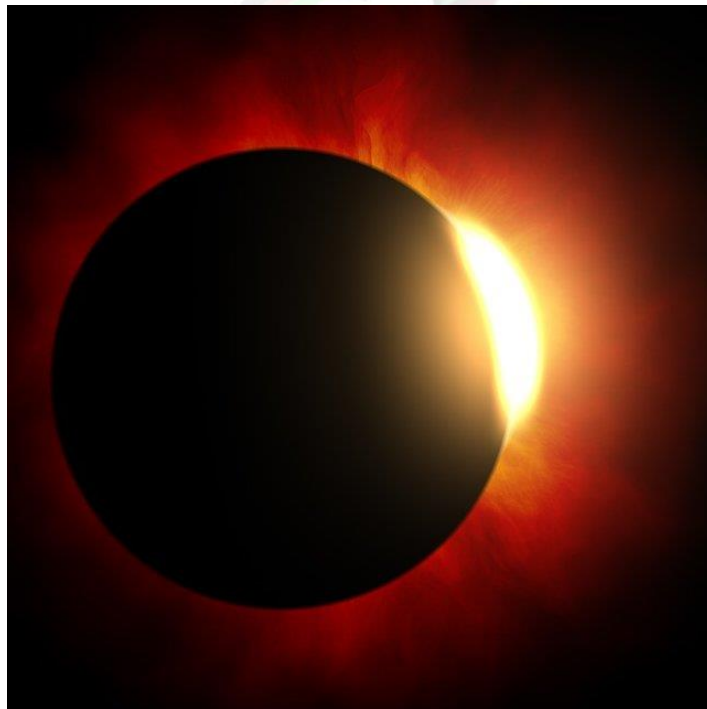
۲۰۱۹/۱۱/۰۱



سید همایون شاه عالمی

خوف جهل

ای آنکه در فریبِ غرورت نشسته ای
آئینه کرده گردِ حضورت نشسته ای
اندر جهان هستی نبینی ز روی عقل
باچشمِ تنگِ کوچکِ مورت نشسته ای



خود بینی خود بسنجی و خود حرف برکشی
دور از کنار مغز و شعورت نشسته ای

اندر خسوف جهل نهان کردی ماهِ خویش
چون سایه روی اشعه نورت نشسته ای
تصویر رنگ تیره کشیدی ز مغز تنگ
یعنی که بی خبر ز امورت نشسته ای
این شیشه های رنگ تعلق تغافلست
بر تونل سیاهِ عبورت نشسته ای
خوراک توست خون یتیمان بی پناه
بر روی آن خزانه چورت نشسته ای
از گرمی های لذت آلودگی بترس
بر آتش عظیم تنورت نشسته ای
شیرین نشد کلام "همایون" ز راستی
بر روزگار تلخ صبورت نشسته ای

ورجینیا ایالات متحده ۲۰۱۹/۱۰/۳۱

**** * * * * *

* * * * * * * * * *

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

خسوف جهل

Alemi_h_۸۶_khossuf_e_djahl.pdf